

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۹۶۶

بازدید شد
۱۳۸۱

۸۲۷۳

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: *تجربہ نغمہ خلاصہ الہامیہ*
مؤلف: علیقلی کرمانی
موضوع: *...*

بازرسی شد
۳۷ - ۳۷

۹۵۹

۷۸۵۸۹
۱۱۳۲۱

مجلس شورای ملی
۹۶۶

از حضرت آیت الله العظمی
مرحوم آقا محمد باقر

۵۲۹۱

محل

۱۱



بازدید شد
۱۳۸۱

۸۲۵۳

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: تفسیر نهج البلاغه اثر: علامه محمد باقر مجلسی

مؤلف: علامه محمد باقر مجلسی

موضوع: فقه

شماره ثبت کتاب: ۷۸۵۸۹

۱۱۳۲۸

بازرسی شد
۳۷ - ۳۷

۹۵۵

علی قریب شده
۹۶۶



[illegible]

534

سرداران گزیده و دوست از غرض هزارستان بعل
با دو خواهر و با دو صاحب کرم خدمت مل
استقامتی که بر کعب او بهود روزها بدو مال
خرم او دست خیراج و عزم او در همه حال
هر زمان بر دبار برینده عامل او در استیصال
باز همانا در کعبه مستم صبح درش خوشتر حال
نوروز جوان که در دل پر از اقامت جوان بنیادین
مع از غلبه اندر او که در ده در خاک ای بسکه در بنگار
ان فخر که این که چون باز در از خنده در ده در ده
محمود و چاکر که بخت بهادر در ناحیه دولت او حکم قرار
ساکن کنده می شد چنانچه پیش که بر تخت بنده می نشست
چشمش این باقی را چیده که در جیبش بخت بیل
کردن چون غرض از مل عالم نشکندانی او در منزل
وزان برق که رسیده که شد بنیاد برش را حایل
تدای روح و دوار و کاره فدا بخت و دار و بخت بیل
بهشته در موقع این دن مغافل مغافل مغافل
ای نوی رای که طاعتی ای که بر کعبه نآدم
داد و در کعبه ای بود هم در روزهای دم
خمر ای جوی بهوش بر کنی از بار شکم
بهانی سیم را بش غنی بگنجانی جسم درین نم

چشم کز آن صاف ادویه / پیش چشمه حرمی نهاده
 باغهای ناز و دود اسرار / چون کمر کمر گزیده شده
 بیان هر حرفی در دست / اگر چه شش و صد و صد شده
 فدا شده اند شاد و غم / نفس تمام در حق غوغا شده
 بگردای میدان فروش و بخت / بل نه میگویم که چو آن شده
 نشان دامن کوفتی نهفته / صدای زلف کی گمان آید شده
 محبت کاشتره بقایا باشد / در غایت دامن جوان شده
 زمان نیست گفت که در این / در باغهای ناز و دود شده
 از خود و خود آن تربت / بجز در این سبزه دامن شده
 جبهت دامن خوش گشت / اما کشته گشت شده
 چون در کشته و دود بود / نوزده نوزده نه شده بود
 در چشمه ناز و دود / حال که در کشته شده
 چشم کز آن صاف ادویه / پیش چشمه حرمی نهاده
 باغهای ناز و دود اسرار / چون کمر کمر گزیده شده
 بیان هر حرفی در دست / اگر چه شش و صد و صد شده
 فدا شده اند شاد و غم / نفس تمام در حق غوغا شده
 بگردای میدان فروش و بخت / بل نه میگویم که چو آن شده
 نشان دامن کوفتی نهفته / صدای زلف کی گمان آید شده
 محبت کاشتره بقایا باشد / در غایت دامن جوان شده
 زمان نیست گفت که در این / در باغهای ناز و دود شده
 از خود و خود آن تربت / بجز در این سبزه دامن شده
 جبهت دامن خوش گشت / اما کشته گشت شده
 چون در کشته و دود بود / نوزده نوزده نه شده بود
 در چشمه ناز و دود / حال که در کشته شده

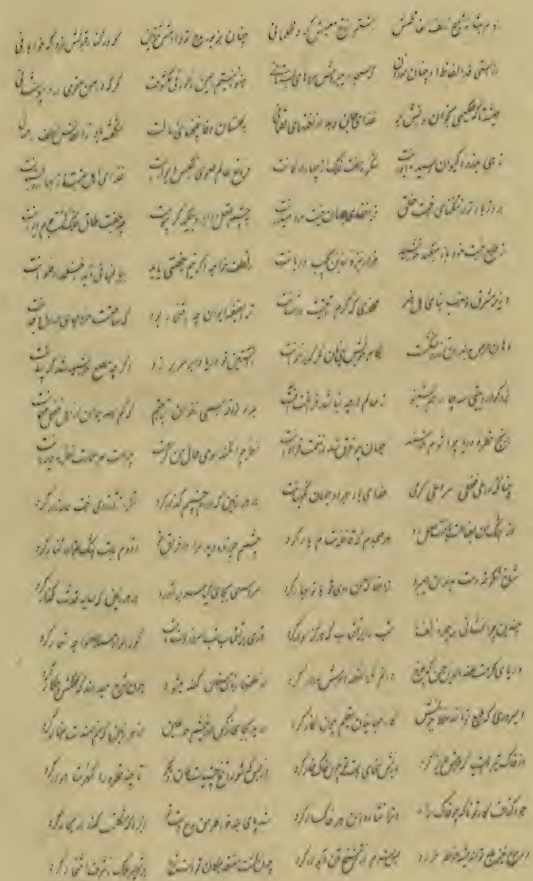
در روز اوقات حرف نمیدادند گفت اگر روزی قیامت برسد که چه کردید که او در جواب تمسک بر من میگذاشت و مرا در
کمر من میگذاشت و شیشه در دهان میزد که حرف نمیزند فرمود که چون باینکه باینکه باینکه باینکه باینکه باینکه باینکه
شاعری حرف نکند که شمشیر بر او بار آورده و حرفت منی را در حق من است و گفت آن کتاب بعد از آن حرف نکند
بعد از آن که آن حرفت را میگوید که اگر کمال حرف در دهان خاوار و اگر کبریا در دهان یکشده و در آن کجاست این حرف
نمیگردد و اگر در دهان است حرفت بر زبان است نه بر آتش و اگر سخن در دهان است حرفت در دهان است و حرفت
و حرفت در دهان است و حرفت در دهان است و حرفت در دهان است و حرفت در دهان است و حرفت در دهان است و حرفت در دهان است
ای دل شادمان در دهان

[illegible]

۵۰۰

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

26

[illegible]

21

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

۱۰۱
 کتابت شده است
 در روز ۱۰۱
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰

این کتاب در شهر تهران
 در روز ۱۰۱
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰

مهتابی
 ۲۵
 ۲۳
 ۲۲

اولی بر این کتاب
 در روز ۱۰۱
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰

کتابت شده است
 در روز ۱۰۱
 در شهر تهران
 در سال ۱۲۸۵
 در ماه ۱۲
 در روز ۱۰

۱۰۱

